

تحول یعنی...

امروزه تحول بنیادین در آموزش و پرورش دغدغه تمام دست‌اندرکاران آموزش و پرورش شده و هر کدام در تلاش‌اند تا به نوعی خود را با آن همسو کنند. گذشته از بحث در خصوص ضرورت تحول در آموزش و پرورش، تصمیم داریم به چگونگی آن و نیز نگاه معلمان به تحول در آموزش و پرورش بپردازیم. در این راستا، با یک معلم گفت‌وگو و به صورت جزئی‌تر نگاه او را به موضوع تحول در آموزش و پرورش بررسی کرده‌ایم.

آموزش و پرورش به تغییر نیاز دارند.

سهم معلم در تحول

می‌پرسم، با این میزان تأکید به تغییر و تحول در آموزش و پرورش، سهم خود را در این زمینه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سمنائی با آمادگی کامل و اطمینان پاسخ می‌دهد: «اگر نتوانم بگویم که سهم من به عنوان معلم، در این تحول بیش از همه عوامل دیگر در آموزش و پرورش است، می‌توانم با اطمینان بگویم که نقش بسیار پررنگی دارم. تمام تحول و نتیجه تمام کارشناسی‌ها و جلسات و تصمیم‌گیری‌ها توسط معلم و در کلاس درس اعمال می‌شود. به نظر شما این سهم کمی است؟»

با این اوصاف مشتاق می‌شوم بدانم او چگونه تحول را در کار خود وارد می‌کند. او ادامه می‌دهد: «رمز موفقیت و آغاز تحول در کلاس را در قراری می‌دانم که با خودم گذاشته‌ام و

مژگان سمنائی، معلم پایه اول دبستان شهدای معلم واقع در منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران است. او که در کارنامه خود تجربه‌های متعددی از تدریس در دوره‌های ضمن خدمت معلمان دارد، تمام انرژی و موفقیت خود را به کلاس درس خود در پایه اول مرتبط می‌داند. از ایشان می‌خواهم در مورد تحول در آموزش و پرورش صحبت کند.

او می‌گوید: «آموزش و پرورش از جمله مواردی است که ضرورت تحول در آن بیش از هر جای دیگر و در هر زمان احساس می‌شود. دنیای روبه رشد و لباس‌های تازه‌ای که هر روز دنیا به تن خود می‌بیند و همه محصول تولید و پیشرفت علم و فناوری هستند نشان می‌دهند که همه و از همه مهم‌تر

آن این است که هر سال کار تازه‌ای ارائه دهم. بر این اساس، هرگز حتی نمونه‌های املائی سال قبل را هم نگه نمی‌دارم و خودم را مجبور می‌کنم دوباره راجع به هر درسی فکر کنم و از نو طرحی را ارائه دهم. من اعتقاد دارم که این بیست و یک سال سابقه وقتی می‌تواند برایم مناسب باشد که احساس کافی بودن تجربه را در من ایجاد نکند بلکه احساس نیاز به تفکر بیشتر و تنوع و به روز بودن را تولید کند تا نتیجه آن به‌کارگیری خلاقیت باشد.»

از او درخصوص شیوه کارش سؤال می‌کنم و اینکه مهم‌ترین گام برای ایجاد تحول در یادگیری دانش‌آموزان را به چه فعالیتی وابسته می‌داند. او بدون معطلی به پژوهش اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «یکی از نمونه فعالیت‌های پژوهشی دانش‌آموزانم در کلاس درس این است که از آن‌ها می‌خواهم سؤالاتی را مطرح کنند که دوست دارند پاسخ آن‌ها را بدانند.

تمام تحول و نتیجه تمام

کارشناسی ها و جلسات و

تصمیم گیری ها توسط معلم و در

کلاس درس اعمال می شود



بیندیشد. به دانش آموز هم کمک می کند با شادابی بیشتر و در فضایی مناسب تر یادگیری عمیق تری داشته باشد. برای نمونه یکی از برنامه های من در کلاس استفاده از پرده ای است که در زمان لازم مقابل کلاس روی دیوار نصب می شود. دانش آموزان با استفاده از آن می توانند به توضیح درس از طریق اجرای نمایش بپردازد و بسیاری امور از جمله داستان گوئی، تمرین دروس قبلی، پرسش از همکلاسی ها و مواردی از این دست را در قالب نمایش اجرا کنند. این کار موجب می شود هربار شکل تازه ای از فعالیت توسط دانش آموزان در کلاس به نمایش درآید.

در فعالیت دیگر، در ابتدای سال برای هر یک از دانش آموزانم عروسکی که پیش بندی یک شکل دارد تهیه می کنم. در ساعات ریاضی، با استفاده از این عروسک های مورد علاقه دانش آموزان تعدادی نی، به مفهوم اعداد و بازی با آن ها می پردازیم. در

می گوید: «با توجه به اینکه دانش آموزانم کلاس اول هستند، مناسب ترین زمان از اواخر اسفند است و تا پایان اردیبهشت کارها تحویل می شوند. دانش آموزان در شش ماه اول سال بیشتر با مراحل انجام فعالیت پژوهشی آشنا می شوند و پروژه هایی کوچک و ساده را در قالب فعالیت های کلاسی یا به عنوان تکلیف تجربه می کنند.

برای نمونه، در تدریس انار، بچه ها در مورد خاصیت و انواع آن شهرهایی از ایران که انارشان معروف است را جست و جو می کنند و در این راه، نحوه سؤال کردن از دیگران، پیدا کردن مطلب از اینترنت به زبان ساده و نیز کار با دایرةالمعارف را می آموزند.»

همه می خوانند، اما چگونه؟

او در ادامه به نقش خلاقیت اشاره می کند و می گوید: «استفاده از شیوه هایی که بر خلاقیت مبتنی باشند به معلم کمک می کند به روز باشد و نو

برای این کار آن ها زمان دارند خوب فکر کنند و بعد سؤالاتشان را با چرا و چگونه مطرح کنند. همه سؤالات روی تخته نوشته می شود و موارد تکراری حذف می شوند. سپس با گروه بندی دانش آموزان و رأی گیری موضوعات، مواردی که بالاترین درخواست را دارند معین و به هرگروه داده می شوند. حال برای این کار می توانند از بزرگ ترها هم کمک بگیرند و مطالب جمع آوری شده خود را در قالب عکس و نقاشی یا متن و گزارش تهیه کنند. برای مثال، دانش آموزانی برای شناخت بیشتر فایده های شیر به گاوداری رفته و با افرادی هم صحبت کرده بودند. آنان گزارش نهایی خود را به تصاویر گاوداری نیز مزین کردند. گروه دیگری برای نشان دادن مراحل رشد لوبیا این کار را به صورت عملی انجام داده و از هر مرحله عکس گرفته بودند.»

سمانی در پاسخ سؤال من که این فعالیت چه زمانی انجام می شود؟

تنبيه سرسره‌ای

این سؤال در ذهن نقش بسته است که در چنین کلاسی شیوه تنبیه دانش‌آموزان چگونه است؟ سمنانی پاسخ می‌دهد: «جالب است بگویم که من شیوه تنبیهی خاصی ندارم، چون در کارم به این نتیجه رسیده‌ام که وقتی کلاس پرشور و حرارت باشد و به اندازه لازم نیروی جذب دانش‌آموز در آن تولید شود کمتر نشانه‌ای از بی‌توجهی و بی‌علاقگی در دانش‌آموزان دیده نخواهد شد. بر این اساس، اگر احیاناً کسی رفتاری داشته باشد که مناسب کلاس نباشد، اول به خودم و شرایطی که در کلاس ایجاد کرده‌ام فکر می‌کنم و بعد اگر لازم باشد از دانش‌آموز می‌خواهم به حیاط مدرسه برود و چند دور سوار سرسره شود. همین تذکر برای آن‌ها کافی است. تا به امروز هنوز این اتفاق روی نداده است که دانش‌آموزی با درخواستم برای خروج از کلاس و سرسره بازی موافقت کند، درحالی‌که متوجه شده باشد این انتظار من به علت نامناسب بودن رفتار او صورت گرفته است. این موضوع مهمی است که با وجود جذاب بودن این تنبیه برای بچه‌ها، کلاس آن‌قدر جذاب باشد که هیچ دانش‌آموزی نخواهد آن را و جمع دوستانش را ترک کند.»

بی‌آنکه تمایل داشته باشم، از این دنیای متنوع و خلاق بیرون می‌آیم و به این می‌اندیشم که تا چه اندازه با نظر سمنانی موافقم: هر تحول و تغییری با نگرش معلم در کلاس‌های درس به ظهور می‌رسد. از صمیم قلب آرزو می‌کنم تمام دانش‌آموزان کشور عزیزمان طعم شیرین و زیبای تحول را به درستی تجربه کنند.



اساس فعالیت دانش‌آموزان

از نمونه‌هایی که سمنانی به آن‌ها اشاره می‌کند متوجه می‌شوم با معلمی خلاق روبه‌رو هستم. بنابراین فرصت را غنیمت می‌دانیم و از ایشان می‌خواهم بیشتر ما را با فعالیت‌ها و برنامه‌های کلاسش آشنا کند.

او که از این اشتراک‌گذاری تجربه خرسند است و مشتاقانه ادامه می‌دهد: «در هر فعالیتی، بیش از هر چیز به این نکته توجه می‌کنم که اساس آن انجام کار عملی توسط دانش‌آموزان باشد. به تأثیر هنر و بهره‌گیری از آن در یادگیری دانش‌آموزان نیز توجه خاصی دارم. برای مثال، دانش‌آموزان رنگ‌های طبیعی را در کلاس می‌سازند و گاهی پا را از این هم فراتر می‌گذاریم و با پوست پیاز روی کاغذ می‌نویسیم تا با آن رازی را مثلاً با پدر یا مادر در میان بگذاریم. می‌دانید که این نوشته‌ها فقط روی حرارت خوانده می‌شوند. معمولاً وقتی دانش‌آموزان می‌توانند اسم خودشان را بنویسند این فعالیت را اجرا می‌کنیم. در کلاس گاهی از پدر یا مادر یا پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها دعوت می‌کنیم. حضور پدر برای روزی که کلمه بابا را یاد می‌گیرند و حضور پدر بزرگ و مادر بزرگ هنگامی که می‌خواهیم از شیوه داستان‌گویی استفاده کنیم، از جمله مواردی هستند که معنای تازه‌ای به درس می‌دهند.»

صورتی‌که به یکی از کلاس‌های ما در این ساعت سری بزنید، باور نمی‌کنید چه طور دانش‌آموزان در شکل همان خاله‌بازی دوران کودکی به یادگیری اعداد و مفاهیم مربوط به آن می‌نشینند و از آن لذت می‌برند.

در درس ایران شناسی از داستان‌گویی استفاده می‌کنم. دانش‌آموزان به عنوان راوی درس را بیان می‌کنند. استفاده از عروسک‌های انگشتی برای دوره کردن درس‌ها از فعالیت‌های مورد علاقه و توجه دانش‌آموزانم است. کار دیگر امسال من دیکته خمیری بود. دانش‌آموزان کلمات را روی خمیری که خودشان درست می‌کنند و آن را ورز می‌دهند، می‌نویسند. این‌ها همه در کنار فعالیت‌های کشاورزی که در حیاط مدرسه انجام می‌شود و آشپزی دانش‌آموزان و به فراخور موضوع تدریس است. تمام این‌ها رنگ و بوی تحول دارند و از اندیشه معلمی ساطع می‌شوند که به ایجاد تغییر باور و اعتقاد دارد. اگر چنین باوری نداشتم، بدون توجه به این فعالیت‌ها و به صورت عادی و به روش قدیم به کارم ادامه می‌دادم و در پایان سال دانش‌آموزانی می‌داشتم که می‌توانستند بخوانند و بنویسند، اما شاید از تنوع و خلاقیت و شادابی بهره‌چندانی نبرده بودند.»

استفاده از شیوه‌هایی که مبتنی بر خلاقیت باشد به معلم کمک می‌کند تا به روز باشد و نو بیندیشد و به دانش‌آموز کمک می‌کند تا با شادابی بیشتر و در فضایی مناسب‌تر یادگیری عمیق‌تری داشته باشد